روزنامه شرق

## سیاست


عادی‌شدن روابط ایران و عربستان، خاورمیانه را آرام می‌کند — صفحه ۸

تهران و «ریاض» در «۸ اپیزود» — صفحه ۸

تحقق رویای «بن‌لادن» کشته‌شده توسط «داعش» — صفحه ۱۰




دیدار محمدجواد ظریف و سعودالفیصل در حاشیه اجلاس اخیر مجمع عمومی سازمان ملل

### ایران و عربستان، یک‌بار برای همیشه مشکلات متعدد میان خود را برطرف می‌کنند؟

# تنش «فلات» و «شبه‌جزیره»

حامد طیبی

سعود الفیصل، چهره آشنای دیپلماسی آشکار عربستان، به سختی امکان تکلم دارد اما تلاش می‌کند بگوید دیدار با «وزیر خارجه ظریف»، مثبت و گامی به جلو به شمار رفته است؛ دیداری که در حاشیه اجلاس اخیر مجمع‌عمومی سازمان‌ملل، آنچنان خبرساز شد که حتی استقبال وزارت خارجه ایالات‌متحده را در پی داشت. «شاهزاده الفیصل» با وجود بیماری و کهولت سن همچنان «گرگ باران‌دیده» سیاست خارجی سعودی‌ها به‌شمار می‌رود و به‌خوبی می‌داند در ۳۵سال گذشته، چه فرازوفرودهایی که در روابط دوهمسایه حاشیه خلیج‌فارس، خودنمایی نکرده است. احتمالا این دیدار، او را به یاد روزی انداخته است که اولین دیدار مقامات ایران و عربستان پس از ماجرای کشتار حجاج در سال ۶۶ و قطع روابط دوکشور، بین وزرای خارجه دوکشور در اجلاس سالانه مجمع‌عمومی سازمان‌ملل متحد در شهریور۱۳۶۹ انجام شد. در ۱۵اسفند۱۳۶۹ نیز وزرای خارجه دوکشور در مسقط با هم ملاقات کردند. به دنبال این دیدار در ۲۷اسفند۱۳۶۹ بیانیه مشترکی در زمینه برقراری مجدد روابط سیاسی دوکشور همزمان در تهران و ریاض منتشر شد. «سعودالفیصل» آن روزها، «علی‌اکبر ولایتی» وزیر خارجه وقت ایران را مقابل خود می‌دید و شبیه گفت‌وگوی رسانه‌ای پس از دیدار با ظریف، در یک نشست خبری اعلام کردند عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در حل «تمام مشکلات فی‌مابین» به تفاهم رسیده‌اند. پس از سه‌سال قطع رابطه سیاسی، تجدید روابط متقابل اعلام شد و مقامات تهران و ریاض در فروردین ۱۳۷۰ سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر گشودند. بین سال‌های ۱۳۷۰ - شروع مجدد روابط دوکشور- تا ۱۳۷۶ که سال آغاز به‌کار دولت سیدمحمد خاتمی است، دوره تنش‌زدایی و بسترسازی روابط دوکشور به شمار می‌آید. ورود امیرعبدالله ولیعهد پادشاهی سعودی به تهران در آذر۱۳۷۶ برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، نقطه اوج روند رو به بهبود مناسبات سیاسی دوکشور در دهه ۱۳۷۰ بود. پس از این سفر رفت‌وآمد بلندپایگان دوکشور به پایتخت‌های یکدیگر فزونی یافت تا به دوران افول آن در دولت محمود احمدی‌نژاد رسید.

**بیم از پیام انقلاب اسلامی**

دیپلماسی ایران بعد از انقلاب، ادوار مختلفی را پشت‌سر گذاشته است. پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به روابط شاه با دیکتاتورهای مرتجع عرب، موج نخست موضع‌گیری‌ها علیه نظام تازه بر سر کار آمده در ایران را در پی داشت. البته رفتارهای خاص اعراب، پیش از انقلاب نیز مسبوق‌به‌سابقه بوده و در پاره‌ای موارد، تیرگی در روابط را در پی داشته است. به‌عنوان نمونه «ابوطالب یزدی»، جوانی ایرانی بود که در سال ۱۳۲۲ در حین انجام طواف در مسجدالحرام دچار حالت تهوع شده و به‌جای انتقال به بیمارستان و آغاز درمان، توسط ماموران سعودی دستگیر و به اتهام قصد آلوده‌کردن خانه خدا، در دادگاه محاکمه و سپس گردن زده شد. این اقدام دولت عربستان که بی‌شباهت به رفتار عصر جاهلیت نبود، واکنش‌های شدید مردم و علما در ایران و عراق و سایر بلاد اسلامی را در پی داشت و موجب تعلیق روابط دیپلماتیک ایران و عربستان و امتناع ایران از فرستادن حجاج برای مدت چهارسال شد. در این میان، پس از پیروزی انقلاب، ماهیت یک نظام انقلابی در میان کشورهای عربی که سال‌ها بود رنگ تغییر و خیزش مردمی را به خود ندیده بودند، شعارهای تغییرخواهانه در سیاست خارجی که نفی استعمار و پادشاهی را در متن خود داشت و تغییرات در دستگاه دیپلماسی و روی‌کارآمدن چهره‌های جوانی که اگرچه دارای نبوغ و تحصیلات عالیه در دانشگاه‌های معتبر بودند، اما از تجربه «حین خدمت» که اصلی‌ترین داشته یک دیپلمات نامیده می‌شود برخوردار نبودند، همگی باعث ایجاد تفاوت‌هایی با فضای سیاست خارجی پیش از انقلاب شد. البته پیش از انقلاب نیز «ژاندارمی» ایران در منطقه با حمایت آمریکا، حسادت عربی را برمی‌انگیخت اما با توجه به ماهیت روابط اعراب و غرب به ویژه عربستان، این حسادت‌ها کمتر امکان بروز و ظهور داشت. غرب و حتی شوروی نیز نسبت به نظام نوپای جمهوری اسلامی، احساس مثبتی نداشتند. شعارها نفی‌کننده شرق و غرب، هردو اردوگاه اداره‌کننده جهان را به چالش می‌طلبید. تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام و قطع رابطه با این کشور، آغاز جنگ تحمیلی و زرنگی دیکتاتور سابق عراق در تبدیل آن به یک منازعه تمام‌عیار عرب و عجم، امکان استفاده از دیپلماسی را دشوارتر کرد. با این حال، شیوه عمل بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی -که در عین دارابودن مواضع قاطع، خواستار تلاش دیپلمات‌ها برای زدودن باورهای غلط درباره ایران می‌شد- و از همه مهم‌تر، ویژگی‌های جهان دوقطبی نیز فضا را متفاوت با امروز کرده بود. ایالات‌متحده و اتحاد جماهیر شوروی هرکدام از ترس غلتیدن یک کشور دارای موقعیت مناسب به دامان دیگری، در مقابل ایران با احتیاط عمل می‌کردند. بررسی سیاست خارجی ایران در سه‌دهه گذشته در قبال ایالات‌متحده، اروپا، همسایگان غیرعرب و اعراب خاورمیانه، نیازمند فرصتی جداگانه بوده و از حوصله این نوشتار خارج است. در عین‌حال با توجه به محوریت موضوع عربستان، بررسی اجمالی مقاطع مختلف رابطه با این کشور، ضروری به نظر می‌رسد. عربستان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیاست احتیاط، سکوت و نظارت را در پیش گرفت، ولی پس از مدتی هیاتی بلندپایه به سرپرستی دبیرکل «رابطه العالم اسلامی» را برای تبریک پیروزی انقلاب اسلامی به ایران فرستاد. «ملک خالد» در اولین عکس‌العمل خود برپایی حکومت اسلامی را در ایران مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دوکشور خواند. فهد ولیعهد وقت عربستان نیز یادآور شد: «برای رهبری انقلاب ایران احترام زیادی قایل هستیم.» اما رویکرد سیاست خارجی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادیبخش در منطقه و جهان اسلام و همچنین برگزاری اولین حج توأم با «برائت از مشرکین» توسط حجاج ایرانی، به سردی روابط دامن زد. مطبوعات و مقامات دوکشور مواضع تندی علیه هم اتخاذ کردند. ترس مقامات سعودی از انقلاب اسلامی بعد از قیام سلفی‌های تندرو و اشغال مسجدالحرام در ۱۴۰۰هـ-ق و قیام شیعیان در منطقه «شرقیه» به فاصله کمی از آن، دوچندان شد. بر این اساس، عربستان خود را برای مقابله با جمهوری اسلامی و «صدور انقلاب» آن، آماده کرد. به همین سبب با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عربستان با کمک‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی خود، در کنار عراق قرار گرفت. در آن روزها، روابط دیپلماتیک تا سطح کاردار تنزل یافت. سال۱۳۶۳ همزمان با حادثه ربوده‌شدن یک فروند هواپیمای سعودی و فرود آن در فرودگاه مهرآباد و اقدامات مثبت جمهوری اسلامی ایران در پایان‌دادن به این حادثه در میانه جنگ تحمیلی، روابط دوکشور تا حدودی به سمت بهبودی پیش رفت و گشوده‌شدن این پنجره هرچند کوچک، فرصتی پدید آورد تا در سال۱۳۶۴ سفر وزیرخارجه عربستان به ایران و سفر وزیر خارجه وقت ایران به عربستان صورت گیرد. این سفرها با هدف بهبود روابط و حل پاره‌ای از مشکلات فیمابین چون حج و جنگ ایران و عراق صورت گرفت، اما نتیجه ملموسی در پی نداشت. در سال۱۳۶۵، عربستان برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران و با افزایش صدور نفت به شیوه رفتاری معمول همه این سال‌ها، بار دیگر بهای نفت خود را کاهش داد که به تیرگی مجدد در روابط دوکشور انجامید.

**پس از پیروزی انقلاب، ماهیت یک نظام انقلابی در میان کشورهای عربی که سال‌ها بود رنگ تغییر و خیزش مردمی را به خود ندیده بودند و شعارهای تغییرخواهانه در سیاست خارجی که نفی استعمار و پادشاهی را در متن خود داشت همگی باعث ایجاد تفاوت‌هایی با فضای سیاست خارجی پیش از انقلاب شد**

سردی حاکم بر روابط دوکشور و تشدید آن توسط آمریکا با هدایت جریانات منطقه‌ای بر ضد ایران، به ماجرای مراسم حج ۱۳۶۶ و کشتار حدود ۴۰۰تبعه ایران انجامید که اعتراض شدید جمهوری اسلامی را به‌دنبال داشت و در نهایت حمله تظاهرکنندگان تهرانی به سفارت عربستان در تهران -۲۶مرداد ۱۳۶۶- به کشته‌شدن یک دیپلمات سعودی -الغامدی- انجامید. ششم‌اردیبهشت۱۳۶۷ بود که عربستان اقدام به قطع یک‌جانبه مناسبات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران کرد و این قطع رابطه حدود سه‌سال به طول انجامید. پذیرش قطعنامه۵۹۸ شورای‌امنیت سازمان‌ملل توسط جمهوری اسلامی ایران گام موثری در تجدید رابطه با عربستان بود. عربستان قبول قطعنامه از سوی ایران را یک اقدام شجاعانه توصیف و از آن استقبال کرد. در این شرایط، حملات رسانه‌های عربستانی علیه جمهوری اسلامی متوقف شد و «فهد» نیز در یک موضع‌گیری متفاوت اعلام کرد با ایران اختلافی ندارد که «قابل حل نباشد» که این موضع‌گیری آمادگی تهران برای مذاکره مستقیم را در پی داشت. عراق مورد حمایت عربستان و برخی دیگر از اعراب، در سال۶۹ به کویت حمله کرد و مواضع ایران در این حادثه و نیاز شورای همکاری خلیج‌فارس، به‌ویژه عربستان برای تجدید رابطه با جمهوری اسلامی ایران پیشقدم شوند.

**ایران و آل‌سعود**

به‌طور کلی از نظر تاریخی می‌توان روابط ایران و عربستان را به چهاردوره قبل از انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، از پایان جنگ تحمیلی تا حوادث ۱۱سپتامبر و از ۱۱سپتامبر تاکنون تقسیم کرد. شرایط جهانی، منطقه‌ای و عوامل تاثیرگذار در خود کشورها در حوزه سیاسی و اقتصادی، به‌عنوان مولفه‌های اثرگذار در این روابط ارزیابی شده است. همین عوامل سبب شده تا گاهی، رفتار مسالمت‌جویانه و رقابت‌ساز در کسب رهبری منطقه‌ای پیش از انقلاب تا رفتارهای پرهزینه در سال‌های پس از انقلاب که نقطه اوج آن در سال۱۳۶۶ و کشتار حجاج ایرانی خود را نشان داد، متغیر باشد. روابط مسالمت‌آمیز رو به گسترش در دوران سازندگی و تعامل همسویی منطقه‌ای در دولت اصلاحات به‌ویژه پس از حوادث ۱۱سپتامبر و موضع‌گیری دولت وقت ایران در قبال این واقعه تروریستی، این باور را در میان ناظران ایجاد کرده که نوع سیاست خارجی، جایگاه ایران در جهان و همچنین فضای سیاسی داخل ایران، به‌شدت از سوی سران سعودی در حال رصدشدن است و عقب‌نشینی یا تهاجم خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند. سقوط صدام پس از لشکرکشی آمریکا به عراق در دوران اصلاحات، نمونه‌ای از همسویی سیاست خارجی دوکشور بود و مواضع دوکشور پیرامون خروج اسراییل از لبنان، نقش‌آفرینی حزب‌الله، جنگ۳۳روزه و ۲۲روزه در لبنان و فلسطین و جنگ اخیر غزه، موج «بهارعربی» و موضوع بحرین، چالش سوریه و ماندن یا نماندن بشار اسد و به تبع آن ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی تکفیری و البته دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد از جمله اختلافات دوکشور قلمداد شده است.

دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس در این‌باره گزارشی دارد: «ارتقا و تقویت روابط ایران با عربستان قدرت چانه‌زنی دیپلماسی ایران را در مقابل غرب و آمریکا افزایش می‌دهد و رفع برخی نگرانی‌های عربستان می‌تواند از طریق بالابردن قدرت چانه‌زنی دیپلماسی، منافع ملی کشور را بهتر تضمین و تامین کند. بدون تردید تقویت روابط تهران-ریاض می‌تواند در پیشبرد اهداف و تامین منافع ملی کشور موثر باشد و دوکشور تاثیرگذار جهان اسلام نیز همواره نشان داده‌اند با تعامل موثر می‌توانند اختلافات فی‌مابین و مشکلات جهان اسلام را با سرعت بیشتری مرتفع کنند. ایران می‌تواند با هدف اعتمادسازی متقابل به عربستان پیشنهاد دهد دوکشور سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های متنوع و مشترکی را در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی داشته باشند.» بررسی انعقاد پیمان‌های دفاعی و نظامی متقابل در زمینه عدم تعرض و همکاری‌های نظامی- امنیتی با عربستان، تقویت نقش سازمان‌ها و مراکز مربوط به وحدت اسلامی به‌منظور کاهش تنش‌های مذهبی، افزایش تعاملات علما، دانشگاهیان و فرهیختگان دوکشور خصوصا با تاکید بر نقش مذهب و مسایل فرهنگی، تاکید بر تهدیدات سیاسی- امنیتی مشترک ایران و عربستان و تلاش در جهت همکاری در زمینه‌هایی نظیر مبارزه با تروریسم، نیروهای القاعده و سلفی و... از دیگر پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها برای کاهش نگرانی‌ها و تعمیق و گسترش روابط ایران با عربستان است. در این میان، باوجود بیان گفتمان قابل تعمیم وحدت توسط ایران برای نزدیکی فرق اسلامی، آنچه خود را نشان داده است نگرانی برخی مقامات عربستان‌سعودی از افزایش نفوذ ایران در منطقه بوده و نفوذ تهران را خطری برای قدرت پادشاهی اعراب در منطقه می‌دانند که عموما به‌دلیل تاثیرپذیری از عقاید وهابی و ضدشیعی ارزیابی شده است. در تمام این سال‌ها جنگ‌سرد میان دوکشور در ادوار مختلف، تداوم داشته است. ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه با جمعیت ۸۰میلیونی خود، ذخایر استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیک و پیشینه تمدنی، در معادلات منطقه‌ای و جهانی قابل نادیده‌گرفتن نیست و عربستان، خود را دروازه اعراب و پذیرنده مسلمانان جهان در ایام حج می‌داند و نفت و روابط حسنه با غرب را دلیل برتری‌جویی می‌پندارد. کارشناسان سیاست خارجی، تحکیم سیاست داخلی، لزوم توجه به روندهای دموکراتیک در داخل ایران برای افزایش چانه‌زنی غرب برای انفعال اعراب و همچنین افزایش ضریب وحدت ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های اثرگذار بر روابط منطقه‌ای را، مجموعه‌ای از راهبردها در این حوزه می‌دانند. شاید به همین دلیل است که استفاده از ظرفیت‌های چهره‌هایی چون آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی که حتی پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری خود، چهره‌هایی اثرگذار بر اعراب به‌ویژه عربستان شناخته می‌شوند، بارها از سوی صاحبنظران پیشنهاد شده است. رییس مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام در پیامی که به‌مناسبت درگذشت ولیعهد عربستان، بعد از ماجرای ادعای طرح ترور سفیر عربستان مطرح شد، آورده است: «امیدوارم با تقویت وحدت اسلامی در میان مسلمانان، توطئه ایجاد تفرقه بین کشورهای مسلمان به‌ویژه دوکشور ایران و عربستان خنثی گردد.» حتی اخیرا نیز سفرای جدید دوکشور، دیدارهایی با این مرد کهنه‌کار عالم سیاست در ایران داشته‌اند و هاشمی‌رفسنجانی، نقش‌آفرینی در ماجرای عربستان را به «تعیین دستور کار در این‌باره در سطوح ارشد نظام» منوط کرده است. نوری‌شاهرودی سفیر ایران در عربستان در دوره اصلاحات در تبیین روابط دوکشور، دیدگاه قابل‌تاملی دارد: «باید با ابتکارات و طرح‌های نوین، نگرانی‌های موجود که عموما به‌دلیل بمباران تبلیغاتی غرب است را مرتفع کنند، صلح‌آمیزبودن انرژی هسته‌ای تحت نظارت دقیق و بازرسی دایمی آژانس و پاک و غیرآلاینده و بی‌خطربودن آن باید دایما و به‌طور دوره‌ای و مستمر برای کشورهای منطقه تبیین شود، ما می‌دانیم کشورهای منطقه گرفتار و مبتلا به نوعی افراط‌گرایی مذهبی که در قالب سازمان‌های تروریستی و ضدبشری ظهور یافته است، هستند و یک همکاری مشترک فرهنگی می‌تواند خطر این مجموعه‌های متعصب و نادان که منطقه را با خطر دودستگی و تفرقه مواجه کرده کمرنگ کرده یا از بین ببرد. در زمینه اقتصادی در گذشته یک همکاری دوجانبه در زمینه نفت و انرژی باعث شد که هر بشکه نفت‌خام از زیر ۱۰دلار به قیمت فعلی ۷۰دلار برسد. آنها با نیرنگ و اختلاف در بین اعضای اوپک توانستند تا مدتی این ثروت خدادادی و تمام‌شدنی کشورها را به تاراج و یغما ببرند، ولی اراده مصمم ایران و عربستان باعث شد که با کاهش اندک در تولید نفت آن را به قیمت واقعی خود برسانند.

ادامه در صفحه ۹

### نگاه دیپلمات

## دفاع از گفت‌وگوی صریح



صباح زنگنه

در اوج تنش‌های جهان عرب در موضوع «بهارعربی» عربستان‌سعودی احساس می‌کرد در مقابل موج فزاینده اعتراضات مردمی در منطقه خاورمیانه ممکن است صحنه را ببازد و ایران در منطقه از این کشور جلو بزند. بنابراین به محض طرح موضوع ترور سفیر عربستان از جانب آمریکا بنابر توصیه مقامات این کشور، اقدام به اعتراض و ارایه نامه به سازمان‌ملل کرد. این نوع اقدامات حکایت از نوعی همکاری مقدماتی بین سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی دارد. در مقطع اوج تنش ایران و عربستان که منبعث از موضوع سوریه بود، نگارنده در گفت‌وگوهای رسانه‌ای تاکید داشت منافع دوکشور می‌تواند بیشتر تامین شود در صورتی که هماهنگی و همکاری بین آنها وجود داشته باشد. اما آنچه در تعارض قرار داشت، سیاست‌های عربستان بود. به‌عنوان نمونه آنچه در مورد عراق اتفاق افتاد، این بود که به‌جای احترام به اراده و خواست مردم عراق، عربستان‌سعودی موضع و سیاست‌های نادرستی را اتخاذ کرد که سبب شد بحران سیاسی در عراق طولانی شود. در مورد لبنان نیز شرایط به همین‌گونه است. ایران و عربستان هردو در کشور لبنان نفوذ دارند و ارتباطات گسترده‌ای را با بخش‌های مختلف جامعه لبنان دارند، ولی ارزیابی‌های عربستان در لبنان همراه با اشتباه بوده و همچنین در مساله بحرین نیز عربستان اشتباهات زیادی را صورت داد. طبیعتا سیاست احترام‌نگذاشتن به اراده ملت‌ها می‌تواند نتایج منفی زیادی را به بار بیاورد و پیامدهای نادرستی را برای عربستان ایجاد کند. اما موضوع سوریه نقطه اوج اختلافات بود که همچنان بر روابط دوکشور سایه افکنده است. با وجود حضور سفارتخانه‌های دوکشور در پایتخت‌ها، متاسفانه همکاری و مراوده فکری یا مطالعاتی بین دوکشور به شکلی که باید، وجود ندارد، اگرچه اخیرا تحرکات قابل‌توجهی در روابط دوکشور رخ داده که متاثر از روی کارآمدن دولت جدید ایران و برخی موارد ناگزیر واقعیت‌های منطقه برای عربستان است. اگرچه دیپلماسی ایران در دولت گذشته دچار اما‌واگرهایی شده بود، اما نمی‌توان همیشه به یک سر رابطه توجه کرد و به سر دیگر بی‌توجه بود. به‌طورطبیعی افزایش تنش روابط بین دوکشور به‌خصوص در سطح رسانه‌ها طبیعتا یک علامت منفی به مردم کشورهای مختلف همسایه می‌دهد بنابراین در عکس‌العمل‌ها و سیاست‌های کشورهای همسایه به‌تدریج دیده خواهد شد که هرکدام از ملت‌ها و دولت‌ها از یک موضع خاصی حمایت خواهند کرد و علیه موضع مخالف آن مواضع منفی ممکن است اتخاذ کنند. «صراحت در گفت‌وگو» راه‌حلی بود که از همان مقطع توسط نگارنده ارایه شد. اما قاعدتا ابتدا باید گفت‌وگویی وجود و در آن گفت‌وگو صراحت وجود داشته باشد تا بتوان به مشکلات روابط رسیدگی کرد. به نظر می‌آید یکی از اقداماتی که می‌تواند اعتمادسازی را آغاز کند، عدم مداخله عربستان در امور کشورهای منطقه است.

ادامه در صفحه ۸

### طلیعه

ایران و عربستان تعامل یا تقابل را برمی‌گزینند؟

## در گذرگاه دیپلماسی

نیلوفر منصوریان

ایران و عربستان نام دو کشوری است که تحلیلگران داخلی و جهانی ماه‌هاست در انتظار گشایش فصل تازه‌ای در روابط دیپلماتیک‌شان هستند؛ یکی در جنوب و دیگری در شمال خلیج‌فارس که هر یک دارای برتری‌هایی در منطقه هستند و این روزها بیش از گذشته نیاز به ارتباط با یکدیگر را احساس می‌کنند. آنچه این نیاز را برای عربستان ایجاد کرده است نفوذ روبه‌گسترش ایران در منطقه به دنبال توافق بزرگ هسته‌ای ایران با ۵+۱ است. همچنین روابط روبه‌بهبود ایران و آمریکا اگرچه در سایه تردیدهای هر دو طرف نسبت به یکدیگر به کندی پیش می‌رود، اما ریاض به شکل ملموسی نگران آینده این روابط و کمرنگ‌شدن نقش خود در منطقه است. دامنه این نگرانی به اندازه‌ای است که تا مدت‌ها پس از آغاز گفت‌وگوهای مجدد ایران با ۵+۱ با رهبری آمریکا، ریاض روابطش را با کاخ‌سفید کمرنگ کرده بود؛ قهری کوتاه اما دیپلماتیک تا نگرانی خود را به این شکل به هم‌پیمان بزرگش آمریکا نشان دهد. هرچند که این قهر کوچک، چندان دیری نپایید و با گفت‌وگو حل شد؛ در نهایت این عربستان بود که راه چاره را در گرم‌کردن روابط سردش با تهران دید. از سوی دیگر ایران و عربستان این روزها با ظهور داعش در منطقه به دنبال دورکردن این گروه تروریستی از مرزهای خود هستند و ازاین‌رو برای برقراری امنیت در منطقه به دلیل جایگاه‌شان به کمک یکدیگر نیاز دارند. هرچند بسیاری بر این نظرند که عربستان یکی از حامیان مالی داعش است، اما مقامات این کشور باوجود برخی حمایت‌ها از این گروه این روزها مانند ایران با خطری بزرگ‌تر روبه‌رو شده‌اند. خطر ازبین‌رفتن اعتماد به دنیای اسلام به دلیل تفکرات افراطی‌گرایانه داعش و ازبین‌رفتن ثبات و آرامش در منطقه؛ ازاین‌رو، در دیدار اخیر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان با سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان در نیویورک، هر دو بر برقراری دوباره امنیت در منطقه تاکید کردند. اما در کنار همه این دلایل برای نزدیکی دو طرف به یکدیگر، آنها هنوز سر برخی موضوعات با یکدیگر اختلاف اساسی دارند. در واقع، ایران و عربستان این روزها در دورانی به سر می‌برند که مشتاق برقراری رابطه با یکدیگر هستند، اما مسایل حل‌نشده بین آنها این ارتباط را همچنان لاینحل باقی گذاشته است. تحولات یمن و حمایت عربستان از نیروهای مخالف بشار اسد در سوریه از مشکلات مهم موجود بر سر راه روابط تازه دو کشور است. همچنین سعودی‌ها بر این نظرند که ایران در حال گسترش تشیع در منطقه است. از نگاه ایران نیز، عربستان سعودی با توجه به ماهیت سلفی خود تلاش دارد تا اندیشه و تفکر سلفی وهابی را در جهان اسلام گسترش دهد. همین مسایل است که به عقیده بسیاری ایران و عربستان را به نبردی نیابتی با یکدیگر در منطقه کشانده است. باوجود این موانع و اختلاف‌نظرها تهران و ریاض این روزها اگرچه در روندی کند و آهسته در حال بازسازی روابط تاریک و پر از سوءتفاهم خود هستند، اما پیش از این هم بارها چنین روابطی را پشت سرگذاشته‌اند؛ روابطی که گاه در اوج و گاه در فرود بوده است.

**معمار روابط تهران و ریاض**

دوران ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی فصل تازه‌ای در روابط ایران و عربستان بود. در آن دوران، هاشمی سفرهای متعددی به عربستان انجام داد و جایگاه خاصی نزد مقامات عربستانی پیدا کرد؛ تا آنجا که از این مرد کهنه‌کار سیاست به‌عنوان معمار روابط ایران و عربستان یاد می‌کنند. این جایگاه در اندازه‌ای بود که بعد از اتمام دوره ریاست‌جمهوری هاشمی و در ۲۰خرداد ۱۳۸۷، از وی که سمت رییس مجلس خبرگان رهبری و رییس مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام را بر عهده داشت، به‌عنوان میهمان ویژه کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی دعوت به عمل آمد تا در این کنفرانس شرکت کند. در این سفر ۱۰روزه، برای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی زمینه‌ای فراهم شد تا از منطقه «فدک» که مورد احترام شیعیان است بازدید کند. همچنین با حضور وی، درهای «قبرستان بقیع» که مدفن چهار امام معصوم شیعیان است برای اولین‌بار به روی زنان زایر ایرنی باز شد. در واقع، دوران خوب روابط دو کشور با یکدیگر در زمان دولت سازندگی، موجب حفظ ارتباط هاشمی با مقامات ریاض شده است؛ تا آنجا که عربستان در سال‌های گذشته و به خصوص از زمان روی‌کارآمدن دولت یازدهم، بارها از او برای سفر به ریاض دعوت به عمل آورده است. به باور بسیاری از ناظران، شاید این هاشمی باشد که در نهایت بتواند با ارتباطات خوبش به چند سال روابط تیره‌وتار تهران و ریاض پایان دهد. هرچه هست، روابط ایران با عربستان همچنان برای آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از اهمیت خاصی برخوردار است. هاشمی، ایران و عربستان را «جزو بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای اسلامی» می‌داند که همکاری آنها می‌تواند مایه آرامش کشورهای مسلمان شود. او در عین حال، سال گذشته در گفت‌وگویی روابط تیره‌وتار دو کشور را حاصل تندروی‌های هر دو طرف توصیف کرد. از آن سو نیز رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در میان مقامات ریاض از احترام ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که در دور جدید تلاش‌های دو کشور برای برقراری روابط، سفیر تازه عربستان در تهران اوایل اردیبهشت سال‌جاری پس از ورود به ایران به ملاقات هاشمی رفت و سلام‌های گرم پادشاه و ولیعهد کشورش را به هاشمی تقدیم کرد. «عبدالرحمان بنغزمان شهری» همچنین به وی گفت جایگاه خاصی بین مسوولان و مردم عربستان دارد و یک‌بار دیگر از سوی پادشاه عربستان از «آیت‌الله» برای سفر به کشورش دعوت کرد.

**عصر طلایی**

با روی‌کارآمدن سیدمحمد خاتمی در سال۷۶ و سیاست تنش‌زدایی که شاکله سیاست خارجی او را تشکیل می‌داد، روابط تهران و ریاض بیش از گذشته تقویت شد. سیاستی که ادامه سیاست هاشمی‌رفسنجانی بود. در واقع بهترین رابطه میان ایران و عربستان در زمان خاتمی شکل گرفت به همین دلیل از آن دوران به‌عنوان «عصر طلایی روابط ایران و عربستان» یاد می‌کنند.

ادامه در صفحه ۹